

بررسی سبک‌های دلستگی به عنوان یکی از متغیرهای پیش‌بین در وابستگی به مواد مخدر در جوانان پسر شهر ایلام

جهانشا محمدزاده^۱، افرا خسروی^۲، علی‌اصغر رضایی^۳

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: اعتیاد یا سوءصرف مواد موضوعی جدی است که جوامع انسانی را تهدید می‌کند. متغیرهای متعددی بر پیدایش، تداوم و درمان اعتیاد مؤثر هستند. دسته‌ای از این متغیرها به عنوان متغیرهای پیش‌بین در زمینه مصرف مواد بررسی شدند که از میان این متغیرها می‌توان به سبک‌های دلستگی اشاره کرد. در روان‌شناسی تحول پیوند عاطفی بین نوزاد و مادر را دلستگی می‌گویند. تجارب نایمین در ارتباط با دلستگی می‌تواند از عوامل زمینه‌ساز بعدی در جهت سوق به طرف مصرف مواد باشد. در این پژوهش ارتباط سبک‌های دلستگی با وابستگی به مواد بررسی شد.

روش‌ها: افراد مورد مطالعه شامل ۱۲۰ جوان دانشجو و ۸۱ جوان معتاد بودند. در این پژوهش برای انتخاب نمونه معتاد از روش نمونه‌گیری در دسترس و با مراجعة به مراکز خودمعرف سازمان بهزیستی و برای انتخاب نمونه غیر معتاد از روش نمونه‌گیری خوشاهی چند مرحله‌ای و با مراجعة به دانشگاه‌های شهر ایلام استفاده شد. ابزار پژوهش مقیاس سبک‌های دلستگی بزرگسالان (RASS Revised adult attachment scale) یا Colins و پرسشنامه محقق ساخته بود. جهت تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۹ استفاده شد.

یافته‌ها: تحلیل رگرسیون یافته‌ها نشان داد که مواد مخدر با سبک‌های دلستگی (اجتنابی و اضطرابی) رابطه مستقیم، مثبت و معنی‌دار و با سبک دلستگی ایمن رابطه معکوس، منفی و معنی‌دار داشت و آن را پیش‌بینی کرد ($P < 0.01$).

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج حاصل از این تحقیق می‌توان نتیجه گرفت که نبود تعامل مناسب بین کودک و مادر در دوران کودکی و محرومیت‌های عاطفی، کودکان را به سمت سوءصرف سوق می‌دهد. همچنین والدین غیر پاسخگو و اعتماد کم به آن‌ها، فاصله زیاد بین مادر و فرزند، احساس خصوصیت و عدم مراقبت لازم در دوران کودکی، فرد را به سوی مصرف مواد هدایت می‌کند.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های دلستگی، اعتیاد، وابستگی به مواد

ارجاع: محمدزاده جهانشا، خسروی افرا، رضایی علی‌اصغر. بررسی سبک‌های دلستگی به عنوان یکی از متغیرهای پیش‌بین در وابستگی به مواد مخدر در جوانان پسر شهر ایلام. مجله تحقیقات نظام سلامت ۱۳۹۱؛ ۸(۷): ۱۱۵۹-۱۱۶۵.

پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۷/۲۲

دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۴/۲۴

۱- استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران
۲- دانشیار، گروه ایمونولوژی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران (نویسنده مسؤول)

Email: afrakhosravi@yahoo.co.uk

۳- کارشناس ارشد، گروه روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران

پیشگیری از آن است.

متغیرهای متعددی بر پیدایش، تداوم و درمان اختلال‌های مصرف مواد تأثیر می‌گذارند. بازنگری ادبیات پژوهشی نشان داد که عوامل زیست‌شناسختی، روان‌شناسختی، اجتماعی و خانوادگی با سوءصرف مواد مرتبط است. در پژوهش‌های بالینی دسته‌ای از متغیرها به عنوان متغیرهای پیش‌بین در زمینه اختلال‌های مصرف مواد بررسی شد که از میان این متغیرها می‌توان به سبک‌های دلبستگی اشاره کرد. سبک‌های دلبستگی به والدین نقش مهمی در سازگاری روان‌شناسختی و اجتماعی افراد در مراحل بعدی و پیشگیری از ورود آن‌ها به عرصه مواد و اعتیاد دارد (۲، ۳).

سبک‌های دلبستگی به عنوان یک عامل تحولی، نقش تعیین‌کننده و مهمی در رشد گرایش‌های شخصیتی و شکل‌گیری شخصیت اثرگذار دارد. چنانچه Carlson و Sroufe کنش سازمانی نظام دلبستگی را در یکپارچه ساختن مؤلفه‌های عاطفی، انگیزشی، شناختی و رفتاری با اهمیت دانستند (۴).

با وجود این که عوامل شروع مصرف مواد ممکن است یک کنگکاوی ساده، عوامل تداوم مصرف اعتیاد می‌تواند با سبک‌های دلبستگی ارتباط داشته باشد. جدایی از منبع ایمنی‌بخش می‌تواند با گستاخی ارتباط فرد با منابع انسانی اطراف و گرایش او به مصرف مواد برای فرار از ترس‌ها، اضطراب‌ها و ... ارتباط داشته باشد. در واقع اعتیاد را می‌توان تعامل فرد، مواد و محیط دانست. در عمل مواد واسطه‌ای بین فرد و محیط می‌شود و رابطه ایمنی‌بخش با محیط به واسطه مواد صورت می‌گیرد. چنین تعبیر می‌شود که فرد در پرتو مصرف مواد امنیت پیدا می‌کند.

از نظر روان‌شناسی این مواد به ویژه مخدراها جزء مهم‌ترین ضداضطراب‌ها نیز هستند. فرد به دلیل مصرف مواد که آرامش آسان و سریع را به دنبال دارد، به تدریج به عنوان معتاد خود را از روابط ایمنی‌بخش طبیعی محروم می‌کند. در ادامه فرد برای دستیابی به همان سطح ایمنی‌بخش که از مواد انتظار دارد، ناچار تن به وابستگی و عدم کنترل بر مصرف مواد می‌دهد. مشابه شرایط جدایی از مادر، در هنگام مواجه با

مقدمه

اعتياد، سوءصرف یا وابستگی به مواد مخدر در جهان یکی از معضلات بزرگ در راستای فروپاشی نظام خانواده و اجتماع به شمار می‌رود و دامی است که در کمین بسیاری از افراد جامعه به خصوص جوانان نشسته است. آمارهای منتشره از سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان بهداشت جهانی و برنامه کنترل مواد مخدر سازمان ملل متحد حاکی از افزایش فزاینده تولید و مصرف این مواد در سطح جهان است؛ به طوری که دو دهه گذste را «عصر دارو» نامیدند.

در واقع می‌توان گفت که اعتیاد یا سوءصرف مواد به مسئله‌ای جدی برای کشورها تبدیل شده است. در این میان ایران نیز به لحاظ موقعیت جغرافیایی (هم مرز بودن با بزرگترین کشور تولید‌کننده تریاک) و موقعیت استراتژیک (بهترین مسیر برای ترانزیت مواد) در معرض بیشترین خطرات ناشی از مواد مخدر و اعتیاد قرار گرفته است. اهمیت ایجاد راهبردهای پیشگیری و درمان مؤثر بی‌شک سال‌هاست که بر همگان روشن شده است. اما با وجود تلاش‌های روزافزونی که در راستای پیشگیری و درمان سوءصرف مواد صورت می‌گیرد، ما همچنان شاهد انتشار آمارهای فزاینده‌ای از سوی سازمان بهداشت جهانی و انجمن روان‌پزشکی امریکا در زمینه شیوع سوءصرف مواد و مشکلات وابسته به آن هستیم (۱). گفته می‌شود که مبارزه با اعتیاد به سه روش مبارزه با عرضه، درمان معتادان و فعالیت‌های پیشگیرانه در جهت کاهش تقاضا استوار است. از طرفی در بحث مربوط به بیماری‌های مختلف، پیش از درمان بیماری‌ها بر پیشگیری از بیماری‌ها تأکید می‌شود. در مبحث بیماری اعتیاد نیز با توجه به هزینه‌های بسیار بالای مبارزه با مواد مخدر، درمان و نگهداری معتادان و همچنین معایب مربوط به روش‌های درمان و سمزدایی، به نظر می‌رسد که پیشگیری از سوءصرف مواد بسیار مقرن به صرفه و کارآتر باشد. باید در نظر داشت که حذف عامل روان‌شناسختی اعتیاد که فرد را برای همیشه به سوی استفاده مجدد از مواد سوق می‌دهد، تقریباً غیر ممکن است. بنابراین هدف بیشتر تحقیق‌های امروزه شناخت عوامل زیربنایی این معضل جهانی و در نتیجه

هدف کلی پژوهش حاضر این است که آیا نوع سبک دلبستگی فرد با ابتلا وی به سوءصرف مواد ارتباط دارد؟ و این که آیا نوع سبک دلبستگی فرد می‌تواند ابتلا فرد به سوءصرف مواد را پیش‌بینی کند؟ اهداف جزئی پژوهش نیز بررسی متغیرهای مورد نظر به صورت تفکیکی به عنوان پیش‌بین‌های وابستگی به مواد مخدر است.

روش‌ها

افراد مورد مطالعه تحقیق شامل ۱۲۰ جوان دانشجو و جوان معتاد بودند. ۷۶/۷ درصد دانشجویان در دامنه سنی ۸۱-۲۰-۲۴ سال قرار داشتند؛ در حالی که ۳۸ درصد افراد گروه معتاد در دامنه سنی ۲۴-۲۸ و ۴/۲۸ درصد دیگر در دامنه سنی ۳۴-۲۹ قرار داشتند. ۹۲ درصد دانشجویان (افراد سالم) مجرد و ۷/۵ درصد متأهل بودند. ۶۵ درصد افراد معتاد مجرد و ۳۴/۶ درصد دیگر متأهل بودند.

در پژوهش حاضر برای بررسی سبک‌های دلبستگی از مقیاس دلبستگی بزرگسالان کولینز و رید استفاده شد (۹). این پرسشنامه در سال ۱۹۹۰ توسط کولینز و رید تهیه گردید و در سال ۱۹۹۶ توسط آن‌ها مورد بازنگری قرار گرفت. مبنای نظری این آزمون، نظریه دلبستگی است. این مقیاس چگونگی ارزیابی فرد از مهارت‌های ارتباطی و سبک رابطه صمیمانه وی را مورد بررسی قرار می‌دهد. مقیاس دارای ۱۸ عبارت است که پاسخ‌دهندگان در یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای میزان موافقت یا مخالفت خود را با هر یک از عبارات بیان می‌کنند.

این پرسشنامه دارای سه زیر مقیاس است. زیر مقیاس وابستگی که میزان اطمینان و تکیه کردن آزمودنی به دیگران را نشان می‌دهد. زیر مقیاس نزدیکی که میزان صمیمیت و نزدیکی عاطفی آزمودنی با دیگران را می‌سنجد. زیر مقیاس اضطراب نیز میزان نگرانی فرد از طرد شدن را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. هر یک از زیر مقیاس‌ها دارای ۶ عبارت است. ضریب پایابی بازآزمایی این آزمون برای هر یک از سه زیر مقیاس نزدیکی، وابستگی و اضطراب به ترتیب ۰/۶۸، ۰/۷۱ و ۰/۵۲ گزارش شد (۹). در ایران نیز میزان قابلیت اعتماد با

مشکل چون نیاز به اینمی‌جوبی در افراد افزایش می‌یابد، فرایند جستجوی فعال مجدد بروز می‌کند. اگر در این هنگام منابع اینمی‌بخش خانوادگی، گروه همسالان یا منابع اجتماعی در دسترس نباشد یا فرد مهارت به دست آوردن آن‌ها را از طریق مهارت‌های ارتباطی (که از نشانه‌های سلامت روان است) نداشته باشد، ناگزیر در این شرایط برای فرار یا تسکین خود به مصرف مواد گرایش می‌یابد. این پاسخ‌گویی به لحاظ این که سریع تأثیر می‌گذارد، برای این افراد که به جای چالش‌جوبی، چالش‌گریز هستند، ساز و کاری ایجاد می‌کند و رفتار سوءصرف را تقویت می‌کند. دلالت نکردن زود هنگام در نهایت فرد را به سوی وابستگی سوق می‌دهد (۵).

شواهد و پژوهش‌های انجام شده حاکی از این است که بین سبک دلبستگی، اختلال خلقی، اضطرابی، شخصیت و سوءصرف مواد رابطه وجود دارد (۶). همچنین Williams و Kelly در تحقیقی نشان دادند که (الف) نوجوانان دلبستگی اینم بیشتری نسبت به مادران دارند و (ب) نوجوانانی که تعامل کمتری با پدران خود دارند و دارای دلبستگی نایمن هستند، مشکلات رفتاری بیشتری تحت عنوان «خانواده، دینداری Bahr و همکاران در تحقیقی تحت عنوان «خانواده، دینداری و خطر مصرف مواد در نوجوان» نشان دادند که دلبستگی به پدر، دلبستگی به مادر، نظارت والدین، پرخاشگری خانوادگی، مشکلات مواد در خانواده و دینداری با مصرف مواد و افسردگی ارتباط معنی‌داری دارد (۸).

با وجود اهمیت و تأثیر بی‌چون و چرای اختلال‌های دلبستگی در پیدایش بسیاری از اختلال‌های روان‌شناختی، دلبستگی رابطه این اختلال‌ها با اختلال مصرف مواد مورد بررسی پژوهشگران قرار نگرفته است. انجام چنین پژوهشی نه تنها توزیع فراوانی سبک‌های دلبستگی بیماران مبتلا به اختلال‌های مصرف مواد را مشخص می‌سازد، بلکه صحت و اعتبار متغیرهای پیشین که احتمالاً می‌توانند نقش پیدایش در اختلال‌های سوءصرف مواد را تبیین کنند، مشخص می‌سازد. بنابراین این پژوهش به بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی به عنوان یکی از متغیرهای پیش‌بین در وابستگی به مواد مخدر پرداخت.

گرفت و تمامی اطلاعات محترمانه خواهد ماند. برای کاهش مقاومت‌های احتمالی به آزمودنی‌ها گفته شد که لزومی به ذکر نام و نام خانوادگی نیست.

یافته‌ها

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان داد که وابستگی به مواد مخدر با سبک‌های دلستگی (اجتنابی و اضطرابی) رابطه مستقیم، مثبت و معنی‌دار و با سبک دلستگی ایمن رابطه معکوس، منفی و معنی‌دار داشت و آن را پیش‌بینی کرد. همچنین تفاوت معنی‌دار بین دو گروه معتاد و غیر معتاد در زمینه سبک‌های دلستگی وجود داشت.

در فرضیه اول پژوهش، نتایج حاصل تحلیل رگرسیون نشان داد که با توجه به $\alpha = 0.05$ و $P < 0.001$ ، $\beta = -0.364$ می‌توان نتیجه گرفت که بین سبک دلستگی ایمن و وابستگی به مواد مخدر رابطه معکوسی وجود دارد. در فرضیه دوم پژوهش نیز چون $\alpha = 0.05$ و $P = 0.025$ ، $\beta = 0.273$ بود، می‌توان گفت که سبک دلستگی اجتنابی ایمن تواند به میزان ۲۷ درصد پیش‌بینی کننده وابستگی به مواد مخدر باشد.

در فرضیه سوم پژوهش نیز چون $\alpha = 0.05$ و $P < 0.001$ ، $\beta = 0.001$ بود، می‌توان گفت که سبک دلستگی اضطرابی نیز می‌تواند به میزان ۵۱ درصد پیش‌بینی کننده وابستگی به مواد مخدر باشد. در فرضیه چهارم با توجه به این که $\alpha = 0.05$ و $t\text{-test} = 3/33$ بود، می‌توان نتیجه گرفت که در سبک دلستگی ایمن بین دو گروه معتاد و دانشجو تفاوت وجود دارد و این تفاوت از لحاظ آماری معنی‌دار است.

نتایج حاصل از آزمون $t\text{-test}$ در فرضیه پنجم پژوهش نیز نشان داد که با توجه به $\alpha = 0.05$ و $t\text{-test} = 6/203$ ، $P < 0.001$ می‌توان گفت که بین دو گروه معتاد و غیر معتاد از لحاظ سبک اجتنابی تفاوت معنی‌دار وجود دارد. به بیان دیگر تفاوت بین دو گروه معتاد و دانشجو در سبک دلستگی اجتنابی از لحاظ آماری معنی‌دار است.

نتایج برای فرضیه ششم پژوهش نیز نشان داد که بین دو گروه معتاد و دانشجو از لحاظ سبک اضطرابی تفاوت

استفاده از روش آزمون-آزمون مجدد به صورت همبستگی بین دو اجرا روی نمونه‌ای با حجم ۱۰۰ نفر آزمودنی با فاصله زمانی یک ماه از یکدیگر مورد بررسی قرار گرفت. نتایج بیانگر آن بود که تفاوت بین دو اجرای مقیاس‌های A، D و C در RASS معنی‌دار نیست و این آزمون در سطح ۹۵ درصد قابل اعتماد است (۹).

در این پژوهش برای انتخاب نمونه معتاد از روش نمونه‌گیری در دسترس و با مراجعه به مراکز خودمعرف سازمان بهزیستی و برای انتخاب نمونه غیر معتاد از روش نمونه‌گیری خوش‌های چند مرحله و با مراجعه به دانشگاه‌های شهر ایلام استفاده شد. در این پژوهش از میانگین و انحراف معیار برای محاسبه شاخص‌های توصیفی (محاسبه میانگین و انحراف معیارهای متغیرهای پیش‌بین)، درصد و آزمون $t\text{-test}$ برای گروه‌های مستقل استفاده شد. از نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۹ (version 19, SPSS Inc., Chicago, IL) جهت تحلیل داده‌ها استفاده شد. با توجه به اهداف پژوهش، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر در نظر گرفته شد.

۱. وابستگی به مواد مخدر در جوانان بر اساس سبک دلستگی ایمن قابل پیش‌بینی است.
۲. وابستگی به مواد مخدر در جوانان بر اساس سبک دلستگی اجتنابی قابل پیش‌بینی است.
۳. وابستگی به مواد مخدر در جوانان بر اساس سبک دلستگی اضطرابی قابل پیش‌بینی است.
۴. بین سبک دلستگی ایمن در دو گروه معتاد و غیر معتاد تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

۵. بین سبک دلستگی اجتنابی در دو گروه معتاد و غیر معتاد تفاوت معنی‌دار وجود دارد.
۶. بین سبک دلستگی اضطرابی در دو گروه معتاد و غیر معتاد تفاوت معنی‌دار وجود دارد.
۷. برای رعایت ملاحظات اخلاقی پژوهش به آزمونی‌ها گفته شد که نتایج این داده‌ها جهت انجام یک کار پژوهشی است. یافته‌های آن فقط در جهت کمک به حل مشکلات معتادین و گشودن گرهای از مضلات آن‌ها مورد استفاده قرار خواهد

چاره‌ای جهت تعادل هیجانی و رهایی از این استرس‌ها به طور موقت فراهم خواهد کرد.

نتیجه دیگر پژوهش حاضر این بود که بین سبک دلبستگی اضطرابی و مصرف مواد رابطه وجود داشت و توانست به میزان ۵۱ درصد پیش‌بینی کننده سوءصرف مواد مخدر باشد. نتیجه به دست آمده با پژوهش Nickerson و Nagle (۲) و Parker و Asher (۳) همخوانی داشت. آن‌ها معتقد بودند که سبک‌های دلبستگی نقش مهمی در سازگاری روان‌شناختی (کاهش اضطراب) و احتمالاً پیشگیری از ورود افراد به عرصه اعتیاد و مواد مخدر دارد. Sroufe و Carlson نیز بر نقش کنش سازمانی نظام دلبستگی در یکپارچه کردن مؤلفه عاطفی (برای نمونه اضطراب) انگیزشی و شناختی در جلوگیری از سوءصرف مواد اشاره کردند (۴). Cassidy و Shaver نیز رابطه سبک دلبستگی اضطرابی و سوءصرف را گزارش کردند (۶).

یافته دیگر این پژوهش حاکی از تفاوت معنی‌دار بین سبک دلبستگی ایمن در دو گروه معتاد و دانشجو بود که با یافته به دست آمده در پژوهش Cassidy و Shaver (۶) و Bahr و همکاران (۸) همخوانی داشت. آن‌ها نشان دادند که سبک دلبستگی ایمن عامل محافظی در مقابل خطر گرایش به سوءصرف مواد است.

در نهایت نتیجه دیگر پژوهش حاضر این بود که بین دو گروه معتاد و غیر معتاد از لحاظ سبک اضطرابی تفاوت معنی‌داری وجود داشت که هماهنگ با نتیجه به دست آمده در پژوهش Cassidy و Shaver بود (۶). آن‌ها رابطه معنی‌داری را بین سبک‌های دلبستگی با اختلالات خلقی، اضطرابی، شخصیت و سوءصرف مواد گزارش کردند. Carlson نیز گزارش کردند که تأکید روی عوامل مؤثر در وابستگی به مواد و عود مکرر، بیش از هر چیز معطوف به شکل‌گیری الگوهای دیرپایی شخصیتی (از جمله الگوهای اضطرابی) است (۴).

در خصوص تبیین نتایج حاصل از این پژوهش می‌توان گفت که کم توجهی و عدم مراقبت لازم در دوران کودکی و نوجوانی، کمبودهای تجربه شده، احساس تنهایی و اندوه،

معنی‌داری وجود دارد ($t\text{-test} = -5/88$, $P < 0.001$). به عبارت دیگر گروه معتادین نسبت به گروه دانشجویان از سبک اضطرابی بیشتری برخوردار هستند و این تفاوت از لحاظ آماری معنی‌دار است.

بحث

هدف کلی این پژوهش بررسی سبک‌های دلبستگی به عنوان یکی از متغیرهای پیش‌بین در وابستگی به مواد مخدر در جوانان پسر شهر ایلام بود. در جهت دستیابی به این هدف، فرضیاتی مطرح شد که این نتایج به دست آمد. بین دلبستگی ایمن و وابستگی به مواد مخدر رابطه معکوس معنی‌داری وجود داشت که با نتیجه به دست آمده در پژوهش Williams و Kelly همخوانی داشت (۷). آن‌ها نشان دادند که نوجوانانی که تعامل کمتری با پدران خود دارند و دارای دلبستگی نایمن هستند، مشکلات رفتاری را نشان می‌دهند. این امر می‌تواند زمینه‌ای جهت گرایش آنان به سمت آسیب‌های اجتماعی از جمله مواد مخدر باشد. به نظر می‌رسد که افراد نایمن برای فرونشانی عواطف، احساسات منفی و رویدادهای آسیب‌زاوی که تجربه می‌کنند، بیش از افراد ایمن از سوءصرف مواد به عنوان یک مکانیزم خود درمانی استفاده می‌کنند.

همچنین نتایج این تحقیق با پژوهش Cassidy و Shaver همخوانی داشت (۶). بین سبک دلبستگی اجتنابی و وابستگی به مواد مخدر رابطه معنی‌داری وجود داشت. این ارتباط حاکی از این است که افرادی که دارای این سبک هستند، به احتمال ۲۷ درصد به مواد دلبستگی پیدا خواهند کرد. این نتیجه با پژوهش جزایری و دهقانی (۱۰) و Bahr و همکاران (۸) همخوانی داشت.

به نظر می‌رسد که این افراد از مهارت‌های مقابله‌ای ضعیف و ناپاخته‌ای جهت مواجهه با مشکلات زندگی برخوردار هستند. شیوه درست در جهت حل مسایل به صورت اجتناب، دوری و گوشه‌گیری نیست. چنین رویه‌ای منجر به تقویت راهبردهای اجتنابی، جلوگیری از مواجهه مستقیم با موقعیت‌های دشوار در زندگی و تراکم استرس خواهد شد. این رویه‌ای در نهایت زمینه را جهت سوءصرف مواد به عنوان

کند. در پایان می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که سوءصرف مواد نتیجه ترکیبی از عوامل گوناگون است. هر چه تعداد عوامل خطرآفرین در ارتباط با فرد بیشتر باشد، احتمال سوءصرف مواد توسط او بیشتر می‌شود. این بدین علت است که وجود عوامل خطر چندگانه هم در شروع مصرف مواد نقش دارند و هم در میزان مصرف بعدی مؤثرند (۱).

از جمله چالش‌های موجود در بررسی این پژوهش این بود که نمونه مورد بررسی همگی مرد بودند. این مشکل ناشی از عدم دسترسی به معتادین زن در شهر ایلام بود. در این رابطه توصیه می‌شود که در تحقیقاتی‌تری محققین به بررسی نقش جنسیت در رابطه با متغیرهای تحقیق حاضر پردازند. محدودیت این پژوهش این بود که جهت انتخاب معتادین از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد. با این حال محقق چاره‌ای جز این نداشت، چون دسترسی به معتادین دشوار بود. همچنین عدم همکاری بعضی از معتادین در تکمیل پرسشنامه را می‌توان ذکر نمود.

احساس خصوصت و عدم توانایی در برقراری ارتباط، فرد را به سوی مصرف مواد سوق می‌دهد (۱). با توجه به این نکات می‌توان گفت که احتمالاً نبود تعامل مناسب بین کودک و مادر، محرومیت عاطفی در دوران کودکی، سهل‌انگاری پدر در ارتباط با احتیاجات عاطفی فرزند در دوران بلوغ، نبود تکیه‌گاهی که نیازهای مراقبتی و رشدی او را برآورده سازد، والدین غیر پاسخگو، اعتماد کم و فاصله زیاد بین والدین و فرزند، نبود همدردی مشترک در مسایل استرس‌زا، عدم توانایی والدین در بیان معقول احساسات خویش، انتقادات بی‌شمار و انتظارات بی‌اندازه خارج از توان جوان، همگی دست به دست هم می‌دهند و جوان را به سمت مواد مخدر می‌کشاند (۱۱).

تأثیر مواد مخدر فرد را به کشف این مسأله هدایت می‌کند که وی قادر است درد و اندوه خویش را که نتیجه شکست و ناکامی در ارتباط اینمی‌باشد ازت، به کمک مواد مخدر تحت تأثیر قرار دهد و بدین وسیله شرایط روحی خود را دگرگون

References

1. Fathi K, Merabizade Honarmand M. A survey of depression, sensation seeking, aggression, attachment styles and Education of parent as predictors of drug dependency among Ahwaz teenage boys. *Studies in Education and Psychology* 2008; 9(2): 23-46. [In Persian].
2. Nickerson AB, Nagle RJ. Parent and Peer Attachment in Late Childhood and Early Adolescence. *The Journal of Early Adolescence* 2005; 25(2): 223-49.
3. Parker JG, Asher SR. Peer relations and later personal adjustment: are low-accepted children at risk? *Psychol Bull* 1987; 102(3): 357-89.
4. Carlson EA, Sroufe LA. Contribution of attachment theory to developmental psychopathology. In: Cicchetti D, Cohen DJ, Editors. *Theory and methods*. New Jersey, NJ: Wiley; 1995. p. 135-8.
5. Khasto G. Substance abuse prevention, community-oriented approach. *Social Welfare Quarterly* 2002; 2(6): 235-64. [In Persian].
6. Cassidy J, Shaver PR. *Handbook of Attachment: Theory, Research, and Clinical Applications*. New York, NY: Taylor & Francis Group; 1999. p. 469-75.
7. Williams SK, Kelly FD. Relationships among Involvement, Attachment, and Behavioral Problems in Adolescence: Examining Father's Influence. *The Journal of Early Adolescence* 2005; 25(2): 168-96.
8. Bahr SJ, Maughan SL, Marcos AC, Li B. Family, Religiosity, and the Risk of Adolescent Drug Use. *Journal of Marriage and Family* 1998; 60(4): 979-92.
9. Hamidi F. A Study on the Relationship between Attachment Styles and Marital Satisfaction In Married Students of Teacher Training University. *Journal of Family Research* 2007; 3(9): 443-53. [In Persian].
10. Jazayeri A, Dehghani M. Relationship between attachment styles, addiction and psychological profile compared with non-drug addicts in Bushehr province [MSc Thesis]. Tehran, Iran: School of Social Welfare and Rehabilitation Sciences; 2003. p. 30-8. [In Persian].
11. Vakalahi HF, Harrison RS, Janzen FV. The Influence of Family-Based Risk and Protective Factors on Adolescent Substance Use. *Journal of Family Social Work* 2001; 4(1): 21-34.

Attachment Style as a Predictor of Substance Dependency in Juvenile

Jahansha Mohammadzaeh¹, Afra Khosravi², Aliaskar Rezaei³

Original Article

Abstract

Background: Addiction or substance abuse is a serious issue that threatens the human society. Several factors are effective on the emergence, persistence and treatment of addiction. Some probable predictors of substance abuse have been studied among which is attachment styles. Attachment is an affective bond between mother and infant in developmental psychology. Insecure experiences of attachment can develop a predisposition toward substance abuse.

Methods: Subjects included 120 students and 81 young drug addicts. Convenience sampling was used to select the addicted subjects by referring to the addicts' welfare centers. Multistage cluster sampling method was used to choose the non addicts by referring to the universities in Ilam, Iran. The instrument for data gathering was adults' attachment styles of Coolins and Reed.

Findings: The regression analysis showed that there was a significant relationship between attachment styles (avoidant and anxiety) and drug dependency, but there was a negative, invers significant relationship between secure attachment style and drug dependency ($P < 0.01$).

Conclusion: Lack of appropriate interaction between child and mother during childhood and emotional deprivations leads to child's addiction. Non responsive and low confidence parents, distance between mother and children, feeling of hostility and lack of child care can also result in drug abuse and addiction.

Key words: Attachment Styles, Addiction, Drug Dependency

Citation: Mohammadzaeh J, Khosravi A, Rezaei A. **Attachment Style as a Predictor of Substance Dependency in Juvenile.** J Health Syst Res 2013; 8(7): 1159-65.

Received date: 14/07/2012

Accept date: 13/10/2012

1- Assistant Professor, Department of Psychology, School of Literature and Humanities, University of Ilam, Ilam, Iran

2- Associate Professor, Department of Immunology, School of Medicine, Ilam University of Medical Sciences, Ilam, Iran (Corresponding Author)

Email: afrakhosravi@yahoo.co.uk

3- Department of Psychology, School of Literature and Humanities, University of Ilam, Ilam, Iran